

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله: بایستگی‌های طلبگی

استاد راهنما: سمانه امرایی

پدیدآورندگان: الهام کرمی، سعیده کرمعلی

حوزه علمیه فاطمه الزهراء شهرستان کوهدشت

پاییز ۱۳۹۶

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
چکیده	۱
کلیدواژه.....	۱
مقدمه	۲
فصل اول: بایسته های اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبری	
علم توحید هم بدون تهذیب هم به درد نمی خورد	۴
برای تهذیب زحمت بکشید.....	۴
تهذیب را از خودتان شروع کنید.....	۵
مذهب باشند قبل از اینکه عالم باشند.....	۵
استفاده از فرصت جوانی در تهذیب نفس.....	۶
زی روحانیت.....	۷
اخلاق و انگیزه الهی در تمام امور.....	۱۰
آسانی تهذیب نفس و توبه در جوانی.....	۱۲
نصیحت به طلاب جوان.....	۱۳
تقوا	۱۴
اخلاص.....	۱۵
بی اعتنایی به دنیا.....	۱۶
فصل دوم: بایسته های علمی از دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبری	
نماز شب خواندن یا مطالعه کردن.....	۱۹
مگر اینجا مجلس ختم است.....	۱۹
تعبدی نپذیرید.....	۲۰
علاوه بر تشویق انعام می دادند.....	۲۰
اهتمام به تحصیل علم.....	۲۱
تقویت بنیه علمی قبل از خدمت.....	۲۲
استمرار در فراگیری دانش.....	۲۲
آشنایی به علوم عقلی و نقلی.....	۲۳
استفاده از فرصت های یادگیری.....	۲۴
آشنایی با علوم روز.....	۲۵

۲۵.....	اهتمام به علم ضمن فعالیت اجتماعی
۲۷.....	تعمق و تفکر

فصل سوم: بایسته های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام رهبری

۲۹	 سابقه طرح جدایی روحانیت از سیاست
۲۹	 نقشه تحمیلی جدایی روحانیت از سیاست
۲۹	 جدایی دین و روحانیت از سیاست
۳۰	 لزوم اصلاح فکری حوزویان
۳۱	 دخالت در سیاست در رأس تعلیمات انبیاء
۳۱	 اسلام دین سیاسی
۳۲	 خطر سرایت تفکر جدایی دین و سیاست به طلاب
۳۳	 لزوم دخالت فعال روحانیت در انتخابات
۳۳	 مانع تراشی برای جلوگیری از حضور فعال روحانیت در انتخابات
۳۴	 آگاهی سیاسی
۳۶	 قدرت تحلیل سیاسی
۳۷	 جهت سیاسی طلاب
۳۸	 پرهیز از بی تفاوتی نسبت به حکومت دینی
۳۹	 نتیجه گیری
۴۰	 فهرست منابع

آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشستن، سر خود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش آوری، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم، یعنی مورد مراجعه مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند. (دیدار با روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

-جهت سیاسی طلاب

طلاب همواره در میان تبلیغ، بسیجی‌های نظام بوده‌اند. کمک به نظام، کمک به مسئولان، کمک به دولت و کمک به این کسانی که با همه وجود دارند تلاش می‌کنند، جزو چیزهایی بوده که بحمدالله طلاب همیشه آن را انجام داده‌اند، الان هم باید انجام دهند. مراقب باشید که دسته بندی‌ها و جناح بندی‌های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکند. جهت سیاسی طلاب، همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است؛ همان جهت انقلاب را باید إن شاء الله در تبلیغات و در برخورد با مردم -قولاً و عملاً- پی بگیرید. إن شاء الله بایستی تصور خوبی از انقلاب و تلاش مسئولان و خدماتی که امروز دولتمردان ما بحمدالله دارند انجام می‌دهند، در اختیار مردم بگذارید؛ خداوند هم به شما کمک خواهد کرد. (دیدار با مجمع طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۱)

-پرهیز از بی تفاوتی نسبت به حکومت دینی

مادر حرکت این قطار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، باید دایم سهیم باشیم. نمی‌شود عالم دینی خودش را کنار بکشد و بگوید به من ربطی ندارد؟ حکومت دین، حکومت اسلام، به ما ربطی

ندارد؟ اگر در گوشه ای از زوایای عالم که از ما هزاران فرسنگ فاصله داشت، حکومتی براساس دین تشکیل می شد، من و شما وظیفه داشتیم که به آن حکومت کمک کنیم.

اقامه دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه ادیان است؛ ((لیقوم الناس بالقسط)) (حدید/۲۵). قیام به

قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه ما (علیهم الصلاه والسلام) تمام

زجر و مصیبت شان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الا اگر امام صادق و امام باقر (ع) یک

گوشه می نشستند و چند نفر دور خودشان جمع می کردند و فقط یک مسئله شرعی می گفتند، کسی به آنها

کاری نداشت. خود امام صادق در یک حدیث می فرماید: ((هذا ابو حنیفه له اصحاب وهذا الحسن

البصری له اصحاب)) (کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ج ۲، ص ۲۲۲) ابو حنیفه اصحاب دارد، حسن بصری

اصحاب دارد. پس، چرا به آنها کاری ندارند؟ چون می دانند که آن حضرت داعیه امامت دارد؛ اما آنها داعیه

امامت نداشتند. ابو حنیفه داعیه امامت نداشت. این علمای معروف اهل سنت - محدثان و فقهایشان - داعیه

امامت نداشتند... مسئله، مسئله داعیه خلافت و امامت بود. در راه این داعیه، ائمه ما کشته شدند، یا به زندان

رفتند. امامت یعنی چه؟ آیا یعنی همین که مسئله بگویی، و دنیا را دیگری اداره کند؟ آیا معنای امامت در نظر

شیعه و در نظر مسلمین، این است؟ هیچ مسلمانی این را قایل نیست؛ چه طور من و شما شیعه می توانیم

به این معنا قایل باشیم؟ امام صادق دنبال امامت بود - یعنی ریاست دین و دنیا - منتها شرایط جور نمی آمد؛ اما

ادعا که بود. برای خاطر همین ادعاهم آن بزرگواران را کشتند. این معنای حاکمیت دین است که پیامبران

برایش مجاهدت کردند، و ائمه برایش کشته شدند. حالا حاکمیت دین، در بلد و در وطن خود ما - نه آن

سردنیا - به وجود آمده است؛ آیا می شود یک نفر بگوید من دیندارم، ن آخوندم، اما خودش را سرباز دین

ندانم؟ مگر چنین چیزی می شود؟ هر کسی ادعای دینداری کند و حاکمیتی را که بر مبنای دین است، از خود

نداند و دفاع از آن را وظیفه خود نشمارد، دروغ می گوید. وقتی که می گوییم دروغ می گوید، یعنی اشتباه

می کند و خلاف واقع می گوید؛ ولی نمی فهمد. بعضی ها ملتفت نیستند ، تشخیص شان چیز دیگر است و منکرند که این برنامه ها بر اساس دین است . (دیداربا علما و روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰).

نتیجه گیری:

از آنجا که طلبه نماد والگوی دین می باشد پس باید خود را ملزم به پایبندی و رعایت بایستگی ها و شئوناتی بداند و آنها را در زندگی خویش پیاده کند تا بتواند هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی خویش به عنوان طلبه ای کارآمد و تأثیرگذار در جامعه ظهور پیدا کند و این مهم هم با بهره گیری از سیره و سخنان علما در عرصه های مختلف بتواند ثمر دهد.

فهرست منابع:

۱ - قرآن کریم

۲ - کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ دهم، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹.

۳ - خمینی، روح الله، صحیفه‌ی امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

۴ - سعادت‌مند، رسول، آئین دانشوری در سیره‌ی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم، انتشارات تسنیم،

۱۳۸۹.

۵-سایت Khamenei.ir